

آثار اکراه در عقود و قراردادها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

قاسم اصغرزاده احمدآباد^۱

علی صمدی اندزقی

چکیده

اکراه یکی از مهم ترین عوامل خدشه زننده به «رضا» در فرآیند انعقاد قرارداد است و از منظر حقوق مدنی ایران، در اغلب موارد به جای آن که موجب بطلان عقد شود، «عدم نفوذ» را به دنبال دارد، یعنی عقد تا زمانی که مکره آن را اجازه نکند، اثر حقوقی کامل پیدا نمی کند. این مقاله با رویکردی تحلیلی و دانشگاهی، ضمن تبیین مفهوم اکراه و ارکان آن (تهدید نامشروع، قابلیت انتساب تهدید، مؤثر بودن تهدید بر اراده، و ارتباط تهدید با اقدام حقوقی)، آثار اکراه را در مرحله تشکیل و پس از تشکیل قرارداد بررسی می کند. در ادامه، نسبت اکراه با مفاهیم نزدیک همچون اضطرار، اشتباه و تدلیس روشن می گردد و آثار عملی عدم نفوذ از حیث امکان تنفیذ یا رد، وضعیت انتقال مال، استرداد عوضین، ضمان منافع و تلف، و مسئولیت مدنی اکراه کننده تحلیل می شود. همچنین اکراه ثالث و تأثیر علم یا جهل طرف مقابل نسبت به اکراه، نقش تعیین کننده ای در سامان دهی مسئولیت ها و حمایت از اعتماد مشروع دارد که در این پژوهش به تفصیل واکاوی می شود. نتیجه مقاله آن است که اکراه به عنوان عامل مخدوش کننده رضا، سازوکاری حمایتی و انعطاف پذیر در حقوق ایران ایجاد کرده است: از یک سو، مکره را از التزام ناخواسته می رهاند و از سوی دیگر، با پذیرش امکان اجازه و تنفیذ، ثبات روابط قراردادی را به طور مطلق قربانی نمی کند.

واژگان کلیدی: اکراه، عدم نفوذ، رضا، تهدید نامشروع، اکراه ثالث، تنفیذ، رد،

مسئولیت مدنی

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

قرارداد در حقوق خصوصی، ابزار اصلی تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی است و اعتبار آن بر «اراده» و «رضا»ی طرفین بنا می‌شود. با این حال، اراده انسانی همواره در خلأ شکل نمی‌گیرد، فشارهای روانی، تهدیدها، و روابط قدرت می‌توانند تصمیم قراردادی را از مسیر طبیعی خارج کنند. اکراه دقیقاً در همین نقطه اهمیت می‌یابد: وضعیتی که در آن شخص، در ظاهر «انشا» می‌کند اما در باطن، رضای واقعی ندارد و اقدام او محصول ترس از ضرر جدی و نامشروع است. نظام حقوقی ایران، با الهام از فقه امامیه و سامان‌دهی قانونی در قانون مدنی (به‌ویژه در بخش مربوط به اکراه)، اکراه را عمدتاً موجب «عدم نفوذ» می‌داند نه بطلان، انتخابی که نشان می‌دهد قانون‌گذار میان حمایت از آزادی اراده و حفظ ثبات معاملات توازن برقرار کرده است. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های عملی —مانند اکراه ثالث، اکراه در عقود معوض و غیرمعوض، اکراه در شروط ضمن عقد، و پیامدهای مالی و مسئولیتی— باعث شده بررسی آثار اکراه صرفاً یک بحث نظری نباشد، بلکه در حل و فصل دعاوی قراردادی و تحلیل اعتبار اسناد و تعهدات نقشی حیاتی ایفا کند.

بخش اول: کلیات و مبانی: مفهوم اکراه و ارکان آن

اکراه در معنای حقوقی، وضعیتی است که شخص در نتیجه تهدیدی نامشروع و مؤثر، برای دفع ضرری مهم، به انجام عمل حقوقی (مانند انعقاد عقد) مبادرت می‌کند. نکته کلیدی این است که در اکراه، «قصد انشا» معمولاً وجود دارد (شخص می‌داند چه می‌کند و انشا را محقق می‌سازد)، اما «رضا» به عنوان میل و اختیار باطنی مخدوش است. همین تفکیک میان قصد و رضا، مبنای اصلی این نتیجه است که عقد مکره غالباً باطل نیست بلکه غیرنافذ است. در ادبیات



حقوقی، اکراه را از عوامل «عیوب اراده» دانسته‌اند، عیبی که نه به جهت فقدان فهم و قصد، بلکه به سبب نبود رضای آزاد شکل می‌گیرد. به همین دلیل، اکراه در کنار اشتباه و تدلیس، در مباحث مربوط به اعتبار معاملات و امکان برهم‌زدن یا بی‌اثر کردن قراردادها بررسی می‌شود، هرچند ماهیت و پیامد آن با دو مورد اخیر متفاوت است.

ارکان اکراه برای تحقق اکراه، ارکان زیر معمولاً ضروری است:

الف) وجود تهدید

تهدید می‌تواند به جان، مال، آبرو، آزادی، یا حقوق مهم شخص یا نزدیکان او مربوط باشد. تهدید باید به گونه‌ای باشد که «ترس عقلایی» ایجاد کند و شخص را به انعقاد قرارداد سوق دهد.

ب) نامشروع بودن تهدید

صرف ایجاد خوف کافی نیست، تهدید باید نامشروع باشد. تهدید به انجام کاری که حق قانونی یا قراردادی تهدیدکننده است، اصولاً اکراه محسوب نمی‌شود، مگر آن‌که از حق به نحو سوءاستفاده‌آمیز و خارج از حدود متعارف استفاده شود (بحث «سوءاستفاده از حق» و تبدیل تهدید ظاهراً مشروع به ابزار فشار ناموجه).

ج) مؤثر بودن تهدید

تهدید باید در تصمیم شخص مؤثر باشد، یعنی رابطه سببیت میان تهدید و انعقاد عقد وجود داشته باشد. اگر شخص به دلایل دیگر و مستقل قرارداد را منعقد می‌کرد، اکراه محقق نیست.



د) قابلیت انتساب تهدید به اکراه کننده یا نقش ثالث

اکراه ممکن است توسط طرف قرارداد یا شخص ثالث واقع شود. حقوق ایران به طور کلی اکراه ثالث را نیز مؤثر می‌داند و آن را می‌تواند موجب عدم نفوذ معامله قلمداد کند (در چارچوب مواد مربوط به اکراه در قانون مدنی). اما آثار مسئولیتی و حمایتی نسبت به طرف مقابل، بسته به علم یا جهل او نسبت به اکراه، محل تحلیل ویژه است.

ه) ارتباط تهدید با عمل حقوقی

تهدید باید به گونه‌ای باشد که شخص برای دفع آن، خود را ناچار به انعقاد همان عقد یا تعهد ببیند، صرف تهدید کلی که ارتباطی با اقدام حقوقی ندارد، معمولاً برای تحقق اکراه کافی تلقی نمی‌شود مگر آن که در عمل همان تهدید عامل اصلی سلب رضای آزاد باشد.

بخش دوم: شرایط تحقق اکراه در حقوق ایران و مرزهای آن

۱- تهدید نسبت به نفس، مال، آبرو و آزادی

در عمل، تهدید ممکن است به صدمات جسمانی، تخریب اموال، افشای امور حیثیتی، یا ایجاد محدودیت‌های غیرقانونی نسبت به آزادی شخص یا بستگان او مربوط باشد. نکته مهم در اکراه این است که «موضوع تهدید» باید از نظر عرف و عقل، مهم تلقی شود. تهدیدهای سبک یا غیرجدی، اکراه نمی‌آورد.



۲- تهدید نسبت به نزدیکان

قانون مدنی در مبحث اکراه، به تهدید نسبت به «اقارب» یا نزدیکان نیز توجه دارد. تحلیل دانشگاهی این است که تهدید نسبت به نزدیکان، زمانی اکراه محسوب می‌شود که عرفاً برای شخص مکره به اندازه تهدید نسبت به خود او ایجاد ترس جدی کند و رابطه عاطفی/مسئولیتی به حدی باشد که تصمیم او را تحت فشار قرار دهد.

۳- تهدید قابل تحقق و فوری بودن نسبی

تهدید باید از نظر شخص مکره جدی و «قابل تحقق» جلوه کند. تهدیدی که تهدیدکننده توان اجرای آن را ندارد یا آن قدر دور و مبهم است که خوف عقلایی ایجاد نمی‌کند، معمولاً اکراه محسوب نمی‌شود. البته فوری بودن به معنای لحظه‌ای بودن نیست، کافی است تهدید در افق زمانی نزدیک و قابل تصور، ایجاد فشار کند.

۴- اکراه و «رضا» در برابر «قصد»

یکی از مرزهای نظری مهم آن است که اکراه معمولاً «رضا» را از بین می‌برد نه «قصد» را. بنابراین، اگر تهدید به حدی باشد که شخص اصولاً فاقد قصد انشا شود مثلاً کلمات را بدون آگاهی یا مانند ابزار صرف بیان کند آن وضعیت به سمت فقدان قصد و بطلان میل می‌کند. اما این فرض در عمل نادر است و غالب دعاوی اکراه، در قلمرو عدم نفوذ قرار می‌گیرد. تحقق اکراه نیازمند تهدید نامشروع، جدی و مؤثر است، تهدید باید در نگاه عقلایی قابل تحقق باشد و معمولاً رضا را سلب می‌کند نه قصد را.



بخش سوم: اثر اکراه بر ارکان عقد و نتیجه حقوقی: بطلان یا عدم نفوذ؟

۱- نظریه غالب: عدم نفوذ معامله اکراهی

در حقوق ایران، با توجه به ساختار قانون مدنی و تحلیل دکترین، اثر غالب اکراه «عدم نفوذ» است. عدم نفوذ یعنی عقد منعقد شده اما اثر الزام آور و انتقالی کامل ندارد و سرنوشت آن به تصمیم بعدی مکره وابسته است. اجازه (تنفیذ) یا رد. این مدل، حمایت از آزادی اراده را با امکان تثبیت قرارداد در صورت رضایت بعدی جمع می‌کند. پایه استدلالی این دیدگاه روشن است: در اکراه، قصد انشا معمولاً وجود دارد و ایجاب و قبول واقع شده است، فقدان رضا باعث می‌شود که قانون به مکره «حق انتخاب» بدهد. از همین رو، معامله نه از اساس معدوم (باطل) است و نه از ابتدا کامل و لازم‌الاجرا (صحیح و نافذ).

۲- دیدگاه رقیب: امکان بطلان در موارد خاص

با وجود غلبه نظریه عدم نفوذ، در مواردی که تهدید به حدی شدید است که اراده شخص را به کلی ابزاری کرده و قصد واقعی را منتفی سازد، می‌توان از بطلان سخن گفت، زیرا در آن فرض، مشکل صرفاً فقدان رضا نیست، بلکه «قصد انشا» نیز محل تردید است. با این حال، از نظر عملی و قضایی، اثبات چنین درجه‌ای دشوار است و غالباً دعاوی در قالب اکراه و عدم نفوذ تحلیل می‌شوند.

۳- جایگاه ماده ۱۹۰ و شرایط اساسی صحت معامله

قانون مدنی در ماده ۱۹۰ شرایط اساسی صحت معامله را بیان می‌کند (قصد و رضا، اهلیت، موضوع معین، مشروعیت جهت). اکراه در نسبت با این ماده، عمدتاً به «رضا» مربوط است.



بنابراین، اکراه به عنوان عیب رضا، مسیر عدم نفوذ را تقویت می‌کند. اکراه در اغلب موارد موجب عدم نفوذ است، زیرا قصد انشا باقی می‌ماند اما رضای آزاد مخدوش می‌شود، بطلان تنها در فروض استثنایی فقدان قصد قابل تصور است.

بخش چهارم: آثار عملی عدم نفوذ: اجازه، رد، و زمان اثر

۱- اجازه (تنفیذ) معامله اکراهی

اجازه، اعلام رضایت لاحق مکرر نسبت به معامله‌ای است که قبلاً تحت اکراه انجام شده است. اجازه می‌تواند صریح (اظهار لفظی یا کتبی) یا ضمنی (رفتاری که به طور متعارف رضایت به معامله را می‌رساند) باشد. اجازه سبب می‌شود عقد از حالت تعلیق خارج شود و آثار خود را ایجاد کند.

نکته تحلیلی: اجازه در معاملات غیر نافذ، معمولاً اثر «کاشف» دارد (یعنی نشان می‌دهد معامله از ابتدا قابلیت اثرگذاری داشته و با اجازه، آن قابلیت بالفعل می‌شود)، با این حال، در مقام حل تعارض با حقوق اشخاص ثالث و حمایت از اعتماد، گاهی ناگزیر باید به آثار «ناقل» یا محدودکننده برای اجازه قائل شد. اینجاست که بحث اشخاص ثالث و انتقالات بعدی اهمیت پیدا می‌کند.

۲- رد معامله اکراهی

رد، اعلام عدم رضایت و نپذیرفتن معامله است. با رد، معامله از بین می‌رود و گویی از ابتدا نافذ نشده است. رد نیز می‌تواند صریح یا ضمنی باشد.



۳- مهلت و فوریت در رد یا اجازه

در حقوق ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی که برای فسخ یا ابطال مهلت‌های خاص پیش‌بینی می‌کنند، در حوزه عدم نفوذ اکراهی، اصل بر این است که مکره باید پس از رفع اکراه در زمان متعارف تصمیم بگیرد، تأخیر طولانی ممکن است به عنوان قرینه رضایت ضمنی یا اسقاط عملی حق استناد به اکراه تفسیر شود، هرچند این امر به اوضاع و احوال بستگی دارد و قاعده‌ای مطلق نیست.

۴- رفع اکراه و معیار تشخیص آن

رفع اکراه زمانی محقق می‌شود که عامل تهدید از بین برود یا به گونه‌ای خنثی شود که شخص دیگر خوف عقلایی نداشته باشد. گاه رفع اکراه با تغییر مکان، دخالت مراجع رسمی، یا از دست رفتن توان تهدیدکننده تحقق می‌یابد. عدم نفوذ معامله اکراهی با «اجازه» تبدیل به معامله نافذ و با «رد» بی‌اثر می‌شود. زمان و آثار اجازه/رد به‌ویژه در تعارض با حقوق ثالث، اهمیت ویژه دارد.

بخش پنجم: اکراه ثالث و وضعیت طرف مقابل: علم، جهل، و حمایت از اعتماد

اصل تأثیر اکراه ثالث بر معامله

اکراه ممکن است توسط شخصی غیر از دو طرف قرارداد واقع شود. حقوق ایران به‌طور کلی اکراه ثالث را نیز مؤثر می‌داند و معامله را غیرنافذ می‌شمارد. فلسفه این حکم روشن است: آنچه رضا را مخدوش می‌کند، نفس تهدید مؤثر است، نه لزوماً هویت تهدیدکننده.



۱- علم یا جهل طرف مقابل (مُکرّه‌له)

مسئله اساسی این است که طرف مقابلِ مکرّه—که از معامله منتفع می‌شود—ممکن است از اکراه بی‌خبر باشد یا با اکراه‌کننده تبانی داشته باشد. این تفاوت، در تحلیل مسئولیت‌ها و نیز در تعارض با حقوق ثالث اثرگذار است:

- فرض علم یا تبانی: حمایت از طرف مقابل توجیه ندارد و بار مسئولیت می‌تواند سنگین‌تر شود، از جمله امکان مطالبه خسارت و پذیرش تحلیل‌های سخت‌گیرانه‌تر نسبت به آثار مالی.
- فرض جهل و حسن‌نیت: طرف مقابل ممکن است بر ظاهر معامله اعتماد کرده باشد. در اینجا، باید میان حمایت از مکرّه و حمایت از اعتماد مشروع طرف مقابل تعادل ایجاد کرد. راه حل غالب این است که اصل عدم نفوذ همچنان باقی است (زیرا رضا مخدوش است)، اما در مسئولیت‌های تبعی و جبران خسارت‌ها، نقش اکراه‌کننده پررنگ‌تر می‌شود.

۲- مثال کاربردی

فرض کنید «الف» تحت تهدید «ج» ناچار می‌شود خانه خود را به «ب» بفروشد. اگر «ب» از اکراه بی‌اطلاع باشد، معامله در برابر «الف» غیرنافذ است و «الف» می‌تواند آن را رد کند، اما در تعیین اینکه خسارت‌ها بر عهده چه کسی است، «ج» (اکراه‌کننده) محور مسئولیت خواهد بود. اگر «ب» با «ج» تبانی کرده باشد، مسئولیت «ب» نیز تشدید می‌شود. اکراه ثالث اصل عدم نفوذ



را از بین نمی‌برد، اما در توزیع مسئولیت‌ها و حمایت از اعتماد، علم/جهل طرف مقابل نقش تعیین‌کننده دارد.

بخش ششم: آثار مالی و مسئولیت مدنی ناشی از اکراه

۱- استرداد عوضین در فرض رد

اگر مکره معامله را رد کند، مبنای انتقال از بین می‌رود و اصل بر بازگشت وضعیت به حالت پیشین است؛ عوضین باید مسترد شود. در اینجا، قواعد عمومی «استیفا» و «دارا شدن بلاجهت» و نیز قواعد ضمان ید و اتلاف می‌توانند راهنمای تحلیل باشند، هرچند بسته به مورد، صورت‌بندی دقیق متفاوت است.

۲- تلف مورد معامله و ضمان

اگر پیش از اجازه یا رد، مورد معامله تلف شود، باید دید تلف در ید کدام طرف رخ داده و سبب تلف چیست. تحلیل دانشگاهی معمولاً چنین مسیرهایی را پیشنهاد می‌کند:

- اگر تلف ناشی از تقصیر یا اتلاف یکی از طرفین باشد، قواعد مسئولیت مدنی و اتلاف اعمال می‌شود.
- اگر تلف قهری باشد، بحث بر سر این است که در دوره عدم نفوذ، ید متصرف چه عنوانی دارد و خطر تلف بر عهده کیست. در این موارد، تفکیک میان حسن‌نیت و سوءنیت متصرف و نیز امکان انتساب تقصیر اهمیت می‌یابد.



۳- منافع (منافع مستوفات و غیرمستوفات)

اگر طرف مقابل در مدت تعلیق (قبل از اجازه/رد) از مال منتفع شده باشد، مسئله منافع مطرح می‌شود. در رویه تحلیلی، معمولاً میان منافع مستوفات (واقعاً بهره‌برداری شده) و منافع غیرمستوفات (قابل تحصیل ولی تحصیل نشده) تفکیک می‌شود. در فرض رد، منطقی است که دست کم منافع مستوفات بر مبنای استیفا یا ضمان ید قابل مطالبه باشد، به‌ویژه اگر متصرف عالم به اکراه یا سوءنیت داشته باشد.

۴- خسارت و مسئولیت اکراه‌کننده

اکراه‌کننده با تهدید نامشروع، سبب ورود خسارت و برهم خوردن آزادی اراده شده است. بنابراین، مسئولیت مدنی او—در قالب قواعد عام مسئولیت و نیز قواعد تسبیب—قابل طرح است. زیان‌دیده می‌تواند هزینه‌های دادرسی، کاهش ارزش، زیان‌های مستقیم ناشی از انعقاد قرارداد تحمیلی، و در موارد قابل اثبات، خسارت‌های تبعی را مطالبه کند. البته حدود و امکان مطالبه برخی خسارت‌ها به معیارهای اثبات، رابطه سببیت، و پیش‌بینی‌پذیری وابسته است. رد معامله اکراهی اصولاً استرداد عوضین را به دنبال دارد و در مورد تلف و منافع، قواعد ضمان، اتلاف، تسبیب و حسن/سوءنیت نقش کلیدی در توزیع مسئولیت‌ها دارند، اکراه‌کننده غالباً کانون اصلی مسئولیت مدنی است.



بخش هفتم: اکراه در عقود معین و نمونه‌های کاربردی

۱- اکراه در بیع

در بیع اکراهی، اگر مکره رد کند، انتقال مالکیت تثبیت نمی‌شود و باید عوضین بازگردد. پیچیدگی مهم بیع، امکان انتقال به ثالث در فاصله تعلیق است: اگر خریدار مال را به ثالث منتقل کند، تعارض میان حمایت از مکره و حمایت از ثالث با حسن نیت مطرح می‌شود. تحلیل غالب آن است که چون معامله نخست غیرنافذ بوده، انتقالات بعدی نیز روی پایه‌ای متزلزل قرار می‌گیرند، مگر آن که سازوکارهای خاص حمایت از ثالث در قوانین خاص یا قواعد ثبتی قابل اعمال باشد.

۲- اکراه در صلح

صلح به دلیل قابلیت انعطاف و شمول، در عمل زیاد محل اکراه واقع می‌شود (مثلاً برای اسقاط دعاوی یا مصالحه خانوادگی). چون صلح نیز عقد است، اکراه در آن همان اثر عدم نفوذ را ایجاد می‌کند. در صلح بر دعوی، مسئله مهم این است که آیا با رد صلح، آثار اسقاطی نیز زایل می‌شود؟ پاسخ تحلیلی این است که چون اسقاط مبتنی بر صلح غیرنافذ بوده، رد می‌تواند آن را بی‌اثر کند، مگر آن که اسقاط به‌طور مستقل و با قصد و رضای جداگانه تحقق یافته باشد.

۳- اکراه در اجاره

در اجاره اکراهی، غیرنافذ بودن قرارداد می‌تواند موجب تعارضات عملی در منافع و اجرت‌المثل شود. اگر مکره رد کند ولی مستأجر از عین استفاده کرده باشد، بحث اجرت‌المثل



و استیفای منفعت جدی می‌شود. اینجا معمولاً قواعد استیفا و احترام به منافع استفاده‌شده راهنمای حل است.

۴-۱-۴- اکراه در ضمان، رهن و تعهدات تبعی

در ضمان اکراهی (مثلاً شخص را تهدید کنند تا ضامن دین دیگری شود)، تحلیل اثر اکراه از حیث عدم نفوذ، اهمیت فراوان دارد، زیرا ضمان به‌طور مستقیم بار مالی ایجاد می‌کند. در رهن اکراهی نیز چون حق عینی تبعی ایجاد می‌شود، رد معامله می‌تواند اساس حق رهنی را متزلزل کند، اما در تعارض با حقوق مرتهن با حسن‌نیت، بررسی‌های دقیق ثبتی و قراردادی لازم است.

۵-۱-۵- اکراه در نکاح و طلاق

ورود به نکاح و طلاق به دلیل حساسیت‌های فقهی و مقررات خاص، نیازمند احتیاط و تفکیک است. در سطح حقوق مدنی، نکاح نیز عقد است و اکراه می‌تواند رضای واقعی را مخدوش کند. با این حال، آثار عملی و شیوه رسیدگی ممکن است به دلیل ویژگی‌های نظم عمومی و ملاحظات حمایتی متفاوت باشد. در طلاق نیز — که در تحلیل حقوقی ایران در قالب ایقاع و تشریفات ویژه مطرح می‌شود — بحث اکراه می‌تواند به اعتبار اراده و امکان بی‌اعتباری یا بی‌اثر شدن عمل حقوقی مربوط شود، اما تعیین نتیجه دقیق، به چارچوب فقهی-قانونی و رویه دادگاه‌ها وابسته است و باید موردی بررسی شود. اکراه در عقود معین عمدتاً اثر واحدی دارد (عدم نفوذ)، اما پیچیدگی‌های مالی و تعارض با حقوق ثالث در هر عقد، صورت‌بندی ویژه ایجاد می‌کند.



بخش هشتم: اکراه و شرط ضمن عقد، اقاله و فسخ

۱- اکراه در شرط ضمن عقد

اگر شرطی در ضمن عقد تحت اکراه پذیرفته شود، باید دید اکراه به کل عقد سرایت کرده یا صرفاً شرط را مبتلا کرده است. در تحلیل حقوقی، اگر تهدید ناظر به پذیرش شرط خاص باشد و اصل عقد با رضای آزاد واقع شده باشد، امکان تفکیک و بی اعتباری/عدم نفوذ شرط (بدون سرایت به اصل عقد) قابل طرح است، اما اگر اکراه بر اصل انعقاد عقد سایه انداخته باشد، کل عقد غیرنافذ خواهد بود.

۲- اکراه در اقاله

اقاله توافق بر انحلال عقد است و ماهیت قراردادی دارد. اگر یکی از طرفین به اکراه اقاله کند، اقاله غیرنافذ خواهد بود و با رد، عقد اصلی به قوت خود باقی می ماند.

۳- اکراه در اعمال حق فسخ

فسخ در برخی موارد حق یک طرفه است. اگر دارنده حق فسخ تحت اکراه اقدام به اسقاط حق یا اعمال آن کند، باید دید آیا اسقاط یا اعمال حق، واقعاً ناشی از اراده آزاد بوده است یا نه. در اینجا نیز تحلیل عیب رضا می تواند نقش داشته باشد، هرچند صورت بندی دقیق ممکن است میان «اسقاط حق» و «اعمال حق» متفاوت شود. اکراه می تواند شرط ضمن عقد، اقاله و حتی تصمیمات مرتبط با فسخ را مبتلا کند، معیار اصلی، وجود یا فقدان رضای آزاد و امکان تفکیک اکراه از اجزای عقد است.



بخش نهم: مرزبندی اکراه با اضطرار، اشتباه و تدلیس (مقایسه دقیق)

۱- اکراه و اضطرار

اضطرار وضعیتی است که شخص برای دفع ضرر یا نیاز شدید، ناچار به معامله می‌شود، اما این ناچاری ناشی از تهدید نامشروع انسان دیگری نیست. قانون مدنی نیز به‌طور صریح اضطرار را از اکراه جدا می‌کند و اضطراری را فی‌نفسه موجب عدم نفوذ نمی‌داند.

- در اکراه: فشار از بیرون و ناشی از تهدید نامشروع است.
- در اضطرار: فشار از شرایط زندگی و وضعیت شخص ناشی می‌شود.

۲- اکراه و اشتباه

اشتباه عیب «شناخت» است نه عیب «آزادی اراده». در اشتباه، شخص با رضا معامله می‌کند اما تصورش از واقعیت (موضوع، وصف اساسی، هویت طرف، یا مبانی) مخدوش است. آثار اشتباه نیز بسته به نوع آن متفاوت است و همیشه عدم نفوذ نیست.

- اکراه: ترس ناشی از تهدید نامشروع، سلب رضای آزاد.
- اشتباه: خطای ذهنی در تشخیص واقع، بدون تهدید.



۳- اکراه و تدلیس

تدلیس فریب کاری و ایجاد تصور نادرست در طرف مقابل است. در تدلیس، رضای شخص بر مبنای اطلاعات غلط شکل گرفته است. تدلیس معمولاً حق فسخ ایجاد می کند، در حالی که اکراه در چارچوب قانون مدنی بیشتر به عدم نفوذ نزدیک است.

- اکراه: فشار و تهدید.
- تدلیس: فریب و پنهان کاری.

نتیجه گیری

اکراه در حقوق مدنی ایران جایگاهی بنیادین در حمایت از آزادی اراده دارد و نشان می دهد که نظام حقوقی به ظاهر الفاظ و تشریفات اکتفا نمی کند، بلکه به کیفیت شکل گیری رضا توجه می کند. تحلیل این مقاله نشان داد که:

۱. اکراه غالباً عیب «رضا» است نه فقدان «قصد»، از این رو اثر اصلی آن «عدم نفوذ» معامله است.
۲. عدم نفوذ سازوکاری میانه رو است: نه ثبات معاملات را یک سره نابود می کند و نه مکره را به تعهدی تحمیلی مقید می سازد، تصمیم نهایی با اجازه یا ردِ لاحق مکره رقم می خورد.
۳. اکراه ثالث نیز اصولاً معامله را غیر نافذ می کند، اما علم یا جهل طرف مقابل نقش اساسی در توزیع مسئولیت ها، امکان مطالبه خسارت و ارزیابی حسن نیت دارد.



۴. آثار مالی اکراه، به‌ویژه در فرض رد، در قالب استرداد عوضین، ضمان منافع، وضعیت تلف و مسئولیت اکراه‌کننده قابل تحلیل است و قواعد اتلاف، تسبیب، استیفا و ضمان ید در سامان‌دهی نتایج نقش مکمل دارند.
۵. تفکیک اکراه از اضطرار، اشتباه و تدلیس برای جلوگیری از خلط دعاوی و انتخاب ضمانت اجرای درست، ضروری است.



منابع و مآخذ

۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه ماده ۱۹۰ و مواد مربوط به اکراه).
۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها (جلدهای مرتبط با رضا و عیوب اراده).
۳. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات.
۴. صفایی، سیدحسین، حقوق خانواده (برای مباحث نکاح و طلاق در حد ارتباط با اراده).
۵. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی (بخش معاملات).
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق.
۷. مقالات پژوهشی حقوقی در حوزه «اکراه، عدم نفوذ و عیوب اراده» (مجلات دانشکده‌های حقوق).
۸. آثار فقهی در باب اکراه (منابع فقه امامیه مرتبط با معاملات).
۹. نوشته‌های دکترین درباره اکراه ثالث و حمایت از حسن‌نیت در معاملات.
۱۰. پژوهش‌های مسئولیت مدنی در تسبیب و اتلاف (برای تحلیل خسارت ناشی از اکراه).

۱۱. American Law Institute. (۱۹۸۱). *Restatement (Second) of Contracts*. American Law Institute.



١٢. Chitty on Contracts. (n.d.). Chitty on Contracts. Sweet & Maxwell.
١٣. Farnsworth, E. A. (٢٠٠٤). Farnsworth on contracts (٣rd ed.). Aspen Publishers.
١٤. Kötz, H. (١٩٩٧). European contract law (Vol. ١). Oxford University Press.
١٥. Lau, Yiu Long v. Pao On, [١٩٨٠] AC ٦١٤ (UKPC).
١٦. Treitel, G. H. (٢٠١٥). Treitel on the law of contract (١٤th ed.). Sweet & Maxwell.
١٧. Universe Tankships Inc of Monrovia v. International Transport Workers Federation (The Universe Sentinel), [١٩٨٣] ١ AC ٣٦٦.
١٨. Von Bar, C., Clive, E., & Schulte-Nölke, H. (Eds.). (٢٠٠٩). Principles, definitions and model rules of European private law: Draft Common Frame of Reference (DCFR). Sellier European Law Publishers.
١٩. Commission on European Contract Law. (٢٠٠٠). Principles of European contract law: Parts I and II. Kluwer Law International.